

عنوان مقاله:

انسان به منزله مساله ای زبانی دیدگاه مولانا درباره نقش زبان در تعیین وضعیت روانی و رفتار انسان

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی، دوره 6، شماره 24 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

نویسندگان:

حسین اسکندری - دانشیار روان شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی

منصوره اعلمی نیا - کارشناس ارشد روان شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی

خلاصه مقاله:

نظریه‌های مطرح در حوزه روانشناسی هریک بنابر پیشفرضهای فلسفی خود، در تبیین رفتار و ماهیت روان انسان بر عوامل متفاوتی تاکید داشته‌اند. در این میان برخی عمدتاً بر جهان عینی و بیرونی تمرکز و تاکید کرده و عوامل برون ذهنی را عوامل اساسی شکل دهنده رفتار انسان به شمار می‌آورند و برخی معتقدند انساندر جهان ذهنی و خصوصی تجربیات خویش زندگی میکند که بیشترین تاثیر را بر او دارد. در کنار دو دسته عوامل ذهنی- شخصی و عوامل عینی- بیرونی، میتوان به عامل سومی اشاره داشت که در عین استقلال برهر دو تاثیر گذار است؛ این عامل سوم که امری بینالادذهانی و اجتماعی محسوب میشود، زبان است کهاهمیت ویژه‌ای در هستی انسان و شکلگیری رفتار او دارد؛ از این رو، تحقیق حاضر درصدد آن است که به بررسی دیدگاه مولانا درباره نقش زبان در تعیین وضعیت روانی و رفتار انسان بپردازد. پژوهش حاضر پژوهشی کیفی و توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل محتواست که به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظامدار انجام شده است. در دیدگاه مولانا اساساً ذهن آدمی از زبان او جدا نیست؛ آگاهی انسان همواره ماهیتی کلامی دارد و فعالیت‌های ذهنی همچون ادراک، اندیشه و شناخت در زبان رخ میدهند. زبانصورت و شکل معنا را مشخص میسازد و افراد تجربه خود از واقعیت را به گونه‌های خلاق، از طریق معانی موجود در زبان شکل میدهند. زبان همچنین خیال انسان را تحت سیطره خود قرار میدهد و بر بدن نیز تاثیرمیگذارد؛ از این رو میتوان گفت که زبان تعیین کننده اصلی وضعیت روانی و رفتار آدمی به شمار می‌آید و روش بررسی مسایل انسانی، زبان کاوی است. مولانا اهمیت ویژه‌ای برای زبان مجازی و از جمله استعاره و داستان در دستیابی به معنا قایل است. از نظر او محتوای ذهن و آگاهی انسان میتواند ساختی روایتی داشتهباشد. دیدگاه مولانا به زبان و روایت، دیدگاهی واقع گرا است. هستی انسان ساختاری زبانی دارد و آدمی بر اساس شرایط زبانی اش عمل می کند. زبان، جهان سومی است که بین جهان ذهن و جهان عین قرار دارد و ارتباط آن دو را میسر و میان آنها واسطهگری میکند. از این رو میتوان گفت موضوع روانشناسی نه ذهن و فرایندهای ذهنی و نه رفتار، بلکه زبان است. چرا که آنچه ذهن نامیده میشود از زبان جدا نیست و فرایندهای ذهنی در واقع فعالیت‌های زبانی هستند و عامل اساسی شکل دهنده رفتار، زبان میباشد. پس به منظور دستیابی به سوژه انسانی و شناخت آن، باید ابژه زبان مورد مطالعه قرار گیرد

کلمات کلیدی:

انسان؛ زبان؛ روایت؛ جهان ذهنی؛ جهان عینی؛ جهان زبان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/601753>

